

نگاهی به زبده البیان محقق اردبیلی

حسن ربانی

محقق اردبیلی، از فقیهان قرن نهم و پرورده حوزه علمیه نجف است. او پس از دوره شهید ثانی و محقق کرکی، فقیه برجسته امامیه در عصر خود شد. با نگارش مجمع الفائده و البرهان، شهرت به سزایی در فقه یافت و فقیهان پس از او همواره به دیدگاههای او در آن کتاب توجه داشتند. زبده البیان تألیف دیگر اوست. این کتاب در آیات الاحکام نگارش یافته است و شاید بتوان گفت پس از کنزالعرفان فاضل مقداد، مشهورترین کتاب آیات الاحکام در امامیه است.

اردبیلی، در زبده البیان، توجه کاملی به تفاسیر معروف پیشین داشته است. هیچ آیه‌ای را مورد بحث و بررسی قرار نمی‌دهد، مگر این که از تفاسیر عمده استفاده می‌کند. او استفاده اصلی را از تفاسیر زیر برده است:

الف. مجمع البیان: او در زمینه‌های مختلفی از این تفسیر استفاده می‌کند. هرچند در مسائل گوناگون نیز با مؤلف آن به بحث می‌پردازد. این مسائل در موضوعات زیر، خلاصه می‌شود:

۱. لغت. ۲. تفسیر. ۳. قرائت. ۴. سبب نزول. ۵. ترکیب آیات. ۶. روایت. ۷. نقل اقوال مفسران پیشین. ۸. نقد و بررسی سخنان طبرسی در ترکیب آیات. ۹. نقد و بررسی سخنان تفسیری او. ۱۰. نقد فتاوی فقهی طبرسی.

ب. کشف زمخشری: او در زمینه‌های بالا که ذکر شد، از کشف نقل می‌کند. افزون بر آن، به کشف از جهات دیگری نیز می‌نگرد:

۱. نقل فتاوی فقهی حنفی. ۲. نقل مطالب بلاغی قرآن. ۳. نقد مباحث کلامی زمخشری. ۴. نقد برخی از مباحث اصولی کشف.

ج. تفسیر بیضاوی: بیضاوی از مفسران شافعی است و از شخصیت‌های معروف در زمینه تفسیر به شمار می‌آید و تفسیر او موجز و مهم است. علمای پس از او، از آن استفاده بسیاری برده‌اند. تفاسیر بسیار چه از عالمان شیعی و چه مفسران اهل سنت، با توجه به آن تألیف شده است، مانند تفسیر ارشاد العقل السلیم تألیف ابوالسعود.

او در تفسیر، سخنان بیضاوی را بازتابانده و فقط در مواردی، مطالبی را بر عبارت او افزوده است و گاه در مسائل فقهی با بیضاوی مخالفت کرده است، زیرا بیضاوی شافعی است و ابوالسعود حنفی مذهب است.

همچنین تفسیر کنزالدقائق، از تفاسیر شیعی است که بیشتر سخنان تفسیری او، همان نگاه‌های بیضاوی است و تنها روایاتی از ائمه اطهار (ع) را بر آن افزوده است. فیض کاشانی نیز در صافی، از بیضاوی بسیار متأثر است.

محقق اردبیلی از دیگر مفسران و فقیهان شیعی است که در زمینه‌های گوناگون از تفسیر بیضاوی بهره برده است و گاه با او به مناقشه پرداخته و دیدگاههای او را به نقد سپرده است.

د. کنزالعرفان فاضل مقداد: اردبیلی، هر جا از کنزالعرفان نام می‌برد و یا به آن اشاره می‌کند، با دید نقادانه است. در مواردی، مناقشه فاضل مقداد با زمخشری را به نقادانه گذاشته، در مورد آن قضاوت می‌کند و دیدگاه زمخشری را ترجیح می‌دهد.*

زبده البیان، از زمان تألیف مورد توجه اندیشه‌وران اسلامی است. برخی بر آن حاشیه نوشته‌اند و شاید نخستین آنان خود مصنف کتاب است. در شیوه دانشمندان بزرگ اسلامی دیده می‌شود که پس از نگارش کتاب و گذشت زمان، آن را مورد مطالعه قرار می‌دادند و نکاتی را در حاشیه برخی از مطالب کتاب، می‌نگاشته‌اند. از جمله شهید ثانی بر مسالک، حاشیه دارد و یا مرحوم نراقی بر مستند، حاشیه زده است. شیخ یوسف ثانی بر مسالک، حاشیه دارد و یا مرحوم نراقی بر مستند، حاشیه زده است. شیخ یوسف بحرانی نیز نکاتی در حاشیه حدائق دارد و حاشیه آخوند خراسانی بر کفایه الاصول معروف است.

برای مراجعه به مواردی که اردبیلی بر زبده البیان، حاشیه زده است، رک: زبده البیان / ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۲۰، ۱۴۱، ۲۱۷، ۳۴۰، ۵۷۵، ۶۴۸، ۶۵۳ و...

محقق اردبیلی، در زبده البیان، از سائر نوشته‌های خود نیز نام می‌برد. او در موارد بسیار، از تفصیل در بحث پرهیز می‌کند و خواننده را به نوشته‌های دیگر خود، ارجاع می‌دهد. شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که این اثر محقق اردبیلی، از آخرین نگاشته‌های اوست.

دیدگاه محقق اردبیلی در اسباب نزول

بعضی از مفسران بر این باورند که اسباب نزول، هیچ گونه تأثیری در تفسیر آیات شریفه قرآنی ندارد، ولی بسیاری از مفسران، معتقدند که از اسباب نزول می‌توان در زمینه تفسیر آیات قرآن کمک جست، بلکه بعضی از آیات را جز با یاری اسباب نزول نمی‌توان تفسیر کرد. محقق اردبیلی در تفسیر آیات، بارها از اسباب نزول کمک گرفته است. (زبده البیان / ۳۶، ۱۹۶، ۳۶۷، ۴۷۴، ۶۷۱ و ...)

محقق اردبیلی معتقد است که آیه با مورد و سبب نزول، تخصیص نمی‌خورد.

به عنوان نمونه، او در ذیل آیه شریفه: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (آل عمران / ۱۸۰) می‌نویسد:

«دور نیست که آیه شریفه بر واجب بودن بذل علم دلالت کند ... و ورود آیه شریفه درباره زکات مال، مانع این برداشت نمی‌شود، زیرا سبب نزول مخصوص نیست و ملاک در آیات شریفه، ظاهر لفظ است و مقتضای آیه، عموم خواهد بود، همان گونه که در دانش اصول ثابت شده است.» (زبده البیان / ۲۰۶ و نیز ۷۷، ۱۲۲، ۱۹۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۵۵، ۳۴۶، ۳۹۹)

محقق اردبیلی، در مورد اسباب نزول، با دیده بصیرت می‌نگرد و از ارزیابی دقیق دریغ نمی‌ورزد. (زبده البیان / ۳۸۴، ۶۱۵، ۶۳۰ و ...)

به عنوان نمونه، او در ذیل آیه شریفه «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ» (اسراء / ۲۹) می‌نویسد:

«روایت کرده‌اند که زنی پسرش را خدمت پیامبر فرستاد و گفت: به پیامبر بگو که مادرم از تو پوشاک می‌طلبد و اگر فرمود که مهلت ده تا به ما لباسی برسد، بازگویی که مادرم پیراهنت را درخواست می‌دارد، زیرا لباسی که بپوشد ندارد. او پیام را رساند. پیامبر پیراهن خود را درآورد و به او داد و گفته شده است که پیامبر در خانه ماند، زیرا لباسی نداشت که بپوشد تا از خانه خارج بشود و نماز بگذارد. در نتیجه کفار او را سرزنش کردند و گفتند: محمد (ص) به خواب و لهو و لعب گرفته شده و از نماز بازمانده است.»

محقق اردبیلی سپس می‌نویسد:

«عقل حکم می‌کند که اگر نیاز به مال چنان بود که واجب با بخشش آن فوت می‌شود، یا اولویتی از کف می‌رود، اعطا و انفاق سزاوار نیست و ظاهر آن است که این رفتار از کم‌ترین خردورز سرنمی‌زند، تا چه رسد به شخصیتی چونان پیامبر (ص). بنابراین، آیه همان گونه که گفته شد، تنها دلیل منع از بخل و حرمت اسراف و تبذیر است.»

زبده البیان / ۳۷۵

و آخرین نکته در این فصل از نوشته آن که: محقق اردبیلی در نقل اسباب نزول، در بیش‌تر موارد مدرک را ذکر نمی‌کند، ولی باتوجه به تأثیرپذیری او در این کتاب از سه تفسیر مشهور: کشاف، مجمع البیان و تفسیر بیضاوی، می‌توان گفت که از همان منابع، اسباب نزول را نقل می‌کند و در بعضی از موارد نیز به آن تصریح دارد. (از جمله رک: زبده البیان / ۱۰، ۲۹، ۳۲، ۵۱، ۵۲، ۶۹ و ...)

نگرش اصولی محقق اردبیلی

در این کتاب، نکته‌های اصولی بسیار مطرح شده است که اشارتی گذرا به دیدگاه‌های نادر و یا درخور درنگ ایشان صورت می‌گیرد:

۱. آیا استعمال لفظ در بیشتر از یک معنی جایز است؟

از کلمات او در این نوشتار برمی‌آید که او استعمال لفظ را در بیش‌تر از یک معنی، ناروا نمی‌داند. (زبده البیان / ۱۵ و ۲۶۵)

۲. در کتاب مفاتیح الاصول، به محقق اردبیلی نسبت داده شده که جمله خبریه در مقام انشاء، دلالت بر وجوب نمی‌کند. در بعضی از شروح کفایه نیز، این مطلب به او و فاضل نراقی نسبت داده شده است. این سخن، درباره فاضل نراقی صحیح است، زیرا بارها در مستند الشیعه، تصریح می‌کند که جمله خبریه در مقام انشاء، دلالت بر وجوب نمی‌کند، ولی از سخنان مرحوم اردبیلی در زبده البیان خلاف این نسبت برمی‌آید.

او در ذیل آیه شریفه: «وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا» (بقره / ۲۸۲) می‌نویسد:

«این جمله خبریه است، ولی به معنای نهی است و بر مبالغه در نهی دلالت می‌کند و ظاهر این جمله، حرام بودن سرپیچی شاهد از ادای شهادت است.»

زبده البیان / ۴۴۶ و نیز: ۱۴۸، ۵۵۶، ۵۹۰

۳. محقق اردبیلی، در مواردی بر حجت بودن «مفهوم وصف» تصریح می‌کند. (رک: زبده البيان / ۶۷۲، ۲۴۷ و نیز: مجمع الفائده و البرهان، ۳۹۴/۸ و ۷۳/۱۰)

ولی او در مواردی تصریح به حجت نبودن مفهوم می‌کند که این موارد باید به خاطر وجود قرینه باشد. (زبده البيان / ۴۵۵، ۵۱۸، ۶۳۶، ۶۷۱)

۴. اردبیلی شهرت را به عنوان دلیل مستقل نمی‌پذیرد. او بارها تصریح می‌کند که شهرت حجت نیست. (رک: زبده البيان / ۶۸۷ و نیز مجمع الفائده و البرهان، ۸۶/۳ - ۲۶۴/۱۳ - ۱۵/۱۴)

اما آن را به عنوان مؤید می‌پذیرد. (رک: زبده البيان / ۳۳، ۸۶، ۹۰، ۱۵۲، ۴۹۴ و نیز مجمع الفائده، ۲۷۰/۳)

همچنین شهرت را به عنوان مرجح در باب تعارض اخبار می‌شناسد. (رک: مجمع الفائده و البرهان، ۴۱/۴، ۴۰۴/۱۴، ۱۸۳/۵، ۲۵۵)

محقق اردبیلی شهرت را جبران‌کننده ضعف سند روایت نیز می‌داند. (زبده البيان / ۲۴۹ و نیز مجمع الفائده و البرهان، ۲۶۸/۴، ۲۰۸/۵، ۱۱۲/۱۴ - ۱۳۸ و ۲۵۰ و ۳۶۹ و ۳۷۶ و ۴۱۶)

دیدگاههای فقهی مخالف مشهور

محقق اردبیلی در زمینه فتوای فقهی، پیرو دلیل است. او به صراحت بارها با شهرت درمی‌آویزد و از این که فتوای مشهور را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد، هراس نمی‌دارد. به نمونه‌ای از فتاوای او که با رأی مشهور فقها مخالف است، اشاره می‌شود:

۱. واجب نبودن طهارت برای مس قرآن: او تنها دلیل ادعایی را آیه: «إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ. فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ. لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه / ۷۹) می‌داند و در نقد استدلال بر آن می‌نویسد:

«اولاً جمله خبریه است و نه جمله انشائی و ثانیاً ضمیر «لایمسّه» رواست که به «کتاب مکنون» بازگردد و ثالثاً مراد از مطهرون، فرشتگان هستند.»

ایشان اصل براءت را نیز مؤید واجب نبودن می‌داند و اجماع و خبر صریحی را بر لزوم طهارت نمی‌یابد، هرچند احتیاط را برتر می‌شمارد. (زبده البيان / ۲۹)

و در مجمع الفائده می‌نویسد:

«دلیل واجب بودن روشن نیست، چون آیه و خبر و اجماع بر آن دلالت نمی‌کند.»

مجمع الفائده و البرهان، ۹۲/۱

۲. محقق اردبیلی بر این باور است که شراب حرام است، ولی نجس نیست. او در آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ ...» (مائده / ۹۰) می‌نویسد:

«آیه شریفه بر حرام بودن هرگونه دست‌یازی در شراب دلالت دارد، ولی در آن دلالتی بر نجاست شراب وجود ندارد و به همین جهت شیخ صدوق گفته: خداوند نوشیدن آن را حرام کرده، ولی

نمازخواندن در لباسی که به شراب آلوده شود، حرام نیست. روایات در نجاست شراب گوناگونند و اصل براءت نیز نجس بودن را تأیید می‌کند.»

زبدۀ البیان / ۴۳

محقق اردبیلی همچنین می‌نویسد:

«ادعای اجماع از سوی شیخ طوسی در تهذیب که «رجس» به معنای «نجس» است، ثابت نیست. خلاصه آیه بر نجاست شراب دلالت ندارد. همچنین روایات دلالتی بر نجاست ندارند، زیرا احادیث گوناگونند و اخباری که دلالت بر وجب شستن می‌کند، حمل بر استحباب می‌شود و این جمع بهتر از آن است که روایاتی را که شراب را پاک معرفی می‌کنند، بر تقیه حمل شود.»

زبدۀ البیان / ۴۲

این دلایل با تفصیل افزون و دلایلی دیگر در مجمع الفوائد نیز آمده است.

صاحب مدارک و محقق خوانساری در مشارق نیز با محقق اردبیلی در نجس بودن شراب هم عقیده‌اند. در تفسیر «الفرقان» پس از آن که نویسنده طهارت خمر را می‌پذیرد و چونان اردبیلی، آن را تفسیر می‌کند، نجس نبودن خمر را به مرحوم آیت الله خوئی نیز نسبت می‌دهد.

۳. محقق اردبیلی در ذیل آیه شریفه: «وَأَرْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِيْنَ» (بقره / ۴۳) می‌نویسد:

«آیه اشاره به آن می‌تواند داشته باشد که برای درک جماعت، مأموم باید رکوع امام را درک کند و اشعار به آن دارد که رکوع از ابتدا باید با امام باشد. پس اگر امام در حال رکوع باشد و در آن حال مأموم، امام را درک کند، مأموم جماعت را درک نکرده است؛ زیرا در این مورد، «رکوع» با «راکعین» صدق نمی‌کند. روایت صحیح نیز بر آن دلالت دارد و این، فتوای شیخ طوسی است، هرچند مشهور مخالف آنند، اما احتیاط رأی نخست را اقتضا می‌کند و اصل نیز مؤید آن است.»

زبدۀ البیان / ۱۲۷

۴. مشهور فقیهان برآنند که در ماه رمضان، بقای بر جنابت تا اذان صبح جایز نیست. محقق اردبیلی، در

ذیل آیه شریفه: « فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ » (بقره ۱۸۱) می‌نویسد:

«اکثر أصحاب بر این باورند که غسل در شب، شرط روزه است، ولی ابن بابویه آن را شرط نمی‌داند و اخبار یکسان نیستند و ظاهر مذهب، دیدگاه ابن بابویه را تأیید می‌کند، زیرا اصل و روایت صریح و صحیح و نیز آیه بر جواز آمیزش در شب دلالت می‌کند، همچنین آسانی و آسان‌گیری شریعت مقتضی آن است و ...»

زبدۀ البیان / ۱۷۴

۵. اردبیلی بر این باور است که بلندخواند حمد و سوره در نمازهای مغرب و عشاء و صبح واجب نیست

و نیز آهسته خواندن در نماز ظهر و عصر. او اظهار می‌دارد:

«این تفصیل، دلیل روشنی ندارد و بر واجب نبودن، اصل براءت و روایت صحیح و ظاهر آیه زیر دلالت می‌کند: «وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا» (اسراء / ۱۱۰)

زیده البیان / ۸۴

-
- * فهرست گونه‌ای از مواردی که محقق اردبیلی به استفاده از تفاسیر مجمع البیان و کشاف و بیضاوی پرداخته، چنین است:
- نقل از مجمع البیان: زیده البیان / ۲۴، ۳۳، ۴۱، ۵۲، ۵۴، ۶۵، ۸۲، ۹۰، ۹۳، ۹۷، ۹۸، ۱۰۱، ۱۱۴، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۷۶، ۲۲۷، ۲۷۳، ۲۹۹، ۲۸۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۸۰، ۴۰۹، ۴۲۴، ۴۳۷، ۴۴۹، ۴۵۷، ۴۶۵، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۳، ۴۸۱، ۵۳۳، ۵۵۴، ۵۶۴، ۵۷۱، ۵۷۴، ۶۲۱، ۶۳۴.
- محقق اردبیلی از تفسیر جوامع نیز در صفحه ۴۵۱ نام می‌برد.
- نقل از کشاف: زیده البیان / ۵، ۲۰، ۲۹، ۳۱، ۵۴، ۶۰، ۷۶، ۸۵، ۸۶، ۱۲۶، ۱۲۲، ۱۳۶، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۶۷، ۳۶۷، ۳۷۳، ۳۸۷، ۴۰۲، ۴۰۷، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۸، ۴۲۴، ۴۳۷، ۴۵۱، ۴۵۵، ۵۰۶، ۵۰۵، ۵۴۵، ۵۵۲، ۵۶۸.
- استفاده از بیضاوی: زیده البیان / ۷۱، ۷۵، ۱۲۲، ۱۳۸، ۱۷۹، ۴۴۶، ۵۴۹، ۵۷۹، ۵۸۴، ۶۵۱، ۶۸۱، ۶۹۲.
- نقل از کشاف و مجمع البیان: زیده البیان / ۵۶، ۷۶، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۹۷، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۲۹، ۳۷۰، ۳۷۴، ۳۹۲، ۴۲۰، ۴۲۶، ۴۲۸، ۴۶۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۱۶، ۵۵۱.
- نقل از کشاف و مجمع البیان و بیضاوی: زیده البیان / ۵، ۴۶، ۱۰۴، ۱۵۹، ۲۳۱، ۲۵۶، ۲۶۲، ۳۹۹، ۴۳۹.
- نقل از کشاف و بیضاوی: زیده البیان / ۲۶۳، ۲۷۶، ۳۶۵، ۳۸۶، ۳۹۷، ۴۲۵، ۵۲۷، ۵۳۲، ۵۴۱، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۴، ۶۳۸، ۶۹۱.
- نقل از مجمع البیان و کشاف و فخر رازی: زیده البیان / ۳۸۹.
- نقل از مجمع البیان و تفاسیر سه گانه: زیده البیان / ۲۸۲.
- نقل از مجمع البیان و دو تفسیر یادشده: زیده البیان / ۴۴۱، ۵۸۸.
- اردبیلی در موارد بسیاری در زیده البیان، نظر انتقادی نسبت به تفاسیر فوق داشته است. مواردی که او به نقد کلام مفسران می‌پردازد در سطور زیر اشاره می‌شود:
- * نقد و بررسی سخنان زمخشری در کشاف: زیده البیان / ۱۵، ۲۳، ۴۶، ۸۷، ۱۸۲، ۲۱۳، ۲۳۳، ۲۵۶، ۲۹۶، ۵۱۲، ۵۳۴، ۵۳۹، ۵۶۶، ۵۸۰، ۵۹۱، ۶۰۱، ۶۶۰.
- * نقد سخنان طبرسی در مجمع البیان: زیده البیان / ۳۴، ۱۷۹، ۲۱۱، ۲۷، ۳۶۵، ۳۸۶، ۴۰۰، ۴۵۴، ۵۰۹، ۵۵۸، ۵۸۰، ۶۰۰، ۶۳۲.
- * نقد سخنان تفسیری بیضاوی: زیده البیان / ۱۷، ۲۱، ۲۲، ۴۶، ۹۳، ۱۴۸، ۱۷۵، ۱۹۷، ۲۳۴، ۲۶۵، ۲۸۵، ۳۳۹، ۳۶۷، ۳۶۸، ۴۴۰، ۴۵۵، ۴۵۸، ۴۷۵، ۵۰۰، ۵۶۲، ۵۶۶، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۸، ۵۹۲، ۶۰۸، ۶۱۸، ۶۳۲، ۶۷۱، ۶۸۵.
- * نقد سخنان زمخشری و بیضاوی: زیده البیان / ۳۸، ۱۵۸، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۷، ۱۷۸، ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۸۸، ۴۰۵، ۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۸، ۵۶۲، ۵۶۷، ۵۸۵، ۶۱۲، ۶۴۶، ۶۴۷.
- * نقد سخنان کشاف و مجمع البیان: زیده البیان / ۳۴۰، ۵۹۴.
- * نقد سخنان فخر رازی: زیده البیان / ۳۷، ۱۹۰، ۳۹۰.